

لَهُمُ الْإِلَهُ الْوَاحِدُ

آثار امر به معروف در شکوفایی اخلاقی جامعه از منظر سوره‌ی توبه

بهاره حمیدی^۱

چکیده:

پیش نیاز امر به معروف و نهی از منکر در یک جامعه ابتدا تشکیل حکومت اسلامی بعنوان حکومتی که معتقد به این امر باشد و افراد جامعه را ترغیب به این امر کند می باشد، چه اینکه اگر حکومت معتقد به این امر نباشد و لو حکومت مبتنی بر ادیان اهل کتاب هم باشد مانند: یهود و نصاری ولی اعتقادی به این امر نداشته باشد، بسیار مشکل است. در این مقاله سعی بر این شده است که مقوله ی امر به معروف و نهی از منکر و آثار آنرا در سطوح مختلف اعم از شرایطی که حاکمیتی معتقد به این امر وجود ندارد و باید بستری برای شکوفایی جامعه فراهم شود مورد بررسی قرار دهد و سپس شرایطی که حاکمیت معتقد به این فریضه برقرار باشد و چگونگی عمل به این فریضه با ذکر چالش ها و فرصت ها و امکانات مورد بررسی قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: امر – معروف – شکوفایی اخلاقی – جامعه

^۱ طلبه حوزه علمیه ریحانه النبى سلام الله علیها

مقدمه :

طبق آیات قرآن کریم از جمله اهداف همه ی انبیاء الهی ساختن جامعه الهی، توحیدی بوده است. قرآن کریم که معجزه ی پیامبر گرامی اسلام است، پیوسته و در آیات گوناگون این معارف را به گوش جهانیان برای تعالی و رشد حقیقی مبتنی بر سرشت و فطرت این برترین مخلوقات پروردگار یعنی انسان رسانیده است. خداوند در قرآن می فرماید: مردم در ابتدای تشکیل اجتماع گروهی واحد و یک دست بودند و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند، پس از پدید آمدن اختلاف و تضاد خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. آن گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، این اختلاف بعد از دلایل و برهان های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، و سبب آن برتری جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا اهل ایمان را به توفیق خود، به حقّی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد. و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند^۱. یکی از راه حل های جلوگیری از بروز این اختلافات در جامعه و رشد و شکوفایی آن امر به معروف و نهی از منکر مبتنی بر براهین الهی و وحیانیست. در جریان حضرت موسی سلام الله علیه در ابتدا حاکمیت و حاکم آن جامعه فرعون بود، شخصی که اعتقادی به وجود پروردگار نداشت و خود را خدا می نامید و آیین شرک را در جامعه ترویج می داد، در چنین جامعه ای که افراد و حاکمیت چنین شرایطی دارند حضرت شروع می کنند به جامعه سازی و بستر سازی بر اساس تبیین معارف الهی برای تک تک افراد آن جامعه برای کنار زدن حاکمیت کفر و تشکیل حاکمیت مبتنی بر توحید و عدالت. سفیران الهی به ما آموخته اند که امر به معروف و نهی از منکر، نشانه عشق انسان به مکتب و علاقه آدمی به سلامت جامعه است و سرنوشت فرد و اجتماع غالباً به یکدیگر گره خورده است و در صورت تباهی عمومی، عذاب خدا بر همه مردم نازل می شود. امر به معروف و نهی از منکر، با ایجاد حس مسئولیت پذیری در میان افراد، جامعه را به سوی فعالیت و پویایی سوق می دهد. در نهایت، می توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر، یک فریضه دینی و یک وظیفه اجتماعی است که با انجام آن، جامعه اسلامی به سوی شکوفایی و پیشرفت حرکت می کند. برای جامعه سازی اخلاقی و قرآنی هم باید برای تهذیب افراد برنامه ریزی نمود و هم باید در جامعه فضایی به وجود آورد که همه افراد آن جامعه به سوی خیر و خوبی سوق داده شوند و ارتکاب هر نوع معصیت و منکر را بطور عادی، مستلزم مواجه شدن با مشکلات و دردسرهای بسیار سختی بیابند و از انجام بدی ها منصرف گردند.

^۱ سوره بقره آیه ۲۱۳

مفهوم شناسی:

معنای لغوی امر

امر در لغت دو معنی دارد؛ یکی کار که جمع آن امور است^۱ و دیگری دستور و طلب که جمع آن اوامر است.^۲

معنای اصطلاحی امر

در اصطلاح امر، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده است.^۳

معنای لغوی معروف

معروف در لغت به معنای شناخته شده است و اکنون اسم شده است برای هر فعلی که در نزد عقل و شرع خوبی و حُسن آن شناخته شده باشد.^۴

معنای اصطلاحی معروف

معروف از ماده «عرف» به معنای شناخته شده است.^۵ اصطلاحاً هر امر واجبی که شارع دستور به انجام آن داده است معروف گفته می‌شود، هر چند بعضی‌ها گفته است که شامل مستحبات هم می‌شود.

^۱ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۰۹.

^۲ الفیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافی، ص ۲۲.

^۳ مفردات راغب، ج ۲، ص ۵۸۷.

^۴ شهید ثانی، شرح لمعه، شرح از محمد کلانتر، بیروت، انتشارات دارالعالم الاسلامی، ج ۲، ص ۴۱۴.

^۵ فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)، ص ۸۷۴.

۱- آثار امر به معروف در شکوفایی اخلاقی جامعه از حیث نظری

"وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ"

این آیه بعد از تذکر و بیان حال منافقین، اینک حال عامه مؤمنین را بیان می کند و می فرماید: "مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند"، تا منافقین بدانند نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند، و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می شوند. و به همین جهت است که هر کدام دیگری را به معروف امر می کند و از منکر نهی می نماید. آری، بخاطر ولایت داشتن ایشان در امور یکدیگر است - آنهم ولایتی که تا کوچکترین افراد اجتماع راه دارد - که به خود اجازه می دهند هر یک دیگری را به معروف واداشته و از منکر باز بدارد.

۱-۱ گسترش دین

آن گاه مؤمنین را به وصف دیگری توصیف نموده می فرماید: "وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ" نماز به پا می دارند و زکات می پردازند، و این نماز و زکات دو رکن وثیق در شریعت اسلام است، اما نماز رکن عبادات غیر مالی است که رابط میان خدا و خلق است، و اما زکات رابطه ای است که در معاملات میان خود مردم برقرار است. سپس وصف دیگری از ایشان را برشمرده، می فرماید: "وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ"، در این جمله تمامی احکام شرعی را در یک جمله کوتاه "اطاعت خدا" و تمامی احکام ولایتی که پیغمبر در اداره امور امت و اصلاح شؤون ایشان دارد، از قبیل فرامین جنگی و احکام قضایی و اجرای حدود و امثال آن را در یک جمله کوتاه "اطاعت رسول" جمع کرده است. هر چند می توان گفت که اطاعت احکام خدا که از آسمان نازل شده از یک نظر دیگر اطاعت رسول است، زیرا این رسول است که برای دعوت به اصول و فروع دین قیام نموده، پس اطاعت احکام خدا اطاعت او نیز هست. **أَوَّلُ إِلَٰهٍ سِيرَ حَمَهُمُ اللَّهُ** - در این جمله از این معنا خبر می دهد که قضای الهی شامل حال این گونه افراد شده و رحمت او اشخاص متصف به این صفات را در برخواهد گرفت. و گویا این جمله را آورد تا مقابل آن جمله ای قرار گیرد که در باره منافقین فرموده بود: **نَسُوا اللَّهَ** فَأَنسَىٰ لَهُمُ أَنْفُسَهُمْ ۖ [۱۹ حشر]. او نیز ظاهراً جمله **"إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ"** را آورد تا رحمت خود را تعلیل کرده، بفرماید رحمت من هیچ منافاتی با عزت و سلطنتم ندارد و به هیچ وجه حکمتم را نیز دچار اختلال و وهن و آمیخته با جزاف نمی سازد. ^۱

^۱ آیه ۷۱ توبه/المیزان/ ج ۹/ ص ۴۹۹

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ... " این جمله مؤمنین را به نیکوترین صفاتشان توصیف می کند. و " اینکه همه اوصاف ایشان را با صدای پیش آورده، برای این است که خبر آنها مبتدایی محذوف و تقدیر آن: "المؤمنون هم التائبون العابدون... " است، یعنی مؤمنین بخاطر اینکه از غیر خدا بسوی خدا بازگشت کردند تائبان، و چون او را می پرستند عابدان، و چون با زبان، حمد و سپاس او گویند حامدان، و چون با قدمهای خود از این معبد به آن معبد می روند سائحان، و بخاطر رکوع و سجودشان راکعان و ساجدانند. این وضع ایشان در حال انفراد است، اما وضعشان نسبت به حال اجتماع، آنها مانند دیدبانانی هستند که اجتماع خود را بسوی خیر سوق می دهند، یعنی امر به معروف و نهی از منکر نموده، حدود خدایی را حفظ می نمایند، نه در حال انفراد، نه در حال اجتماع، نه در خلوت و نه در ظاهر از آن حدود تجاوز نمی کنند. آن گاه با اینکه خداوند در آیه قبل، خودش بشارتشان داده بود اینک به رسولش دستور می دهد به اینکه ایشان را بشارت دهد، و این خود تاکید را می رساند، آنها تاکید بلیغی که نمی توان حد و مرزی برایش قایل شد.^۱

۲-۱ تثبیت امنیت اخلاقی جامعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً ۚ وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ^۲ در این آیه شریفه دستور جهاد عمومی داده شده تا از هر طرف در دنیا، اسلام گسترش یابد، چون وقتی می فرماید: هر طائفه از مؤمنین باید با کفار هم جوار خود کارزار کنند معنائش همان گسترش دادن اسلام و برقرار کردن سلطنت اسلام است بر دنیا، و بر تمامی ساکنین ربع مسکون. معنای " غلظه " در جمله " وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً " شدت و سر سختی نشان دادن بخاطر خداست، و معنائش این نیست که با کفار خشونت و سنگدلی و بد اخلاقی و قساوت قلب و جفا و بی مهری نشان دهید، زیرا این معنا با هیچ یک از اصول دین اسلام سازگار نیست، و معارف اسلامی همه آن را مذمت و تقبیح کرده اند، و آیات مربوط به جهاد هم از هر تعدی و ظلم و جفایی نهی کرده است. و جمله " وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ " وعده ای است الهی به اینکه اگر تقوا پیشه کنید خداوند یاریتان می کند، و برگشت معنای آن به ارشاد مسلمین است، به اینکه همواره مراقب خود باشند، و مقام پروردگار خود را نسبت به خود از یاد نبرند، و متوجه باشند که خدا با ایشان و مولای ایشان است، که اگر چنین کنند و تقوا بخرج دهند خدا وعده داده که دست بالا و ما فوق همه عالمیان قرار خواهند گرفت.^۳

^۱ آیه ۱۱۲ توبه/المیزان/ج ۹/ص ۵۹۰

^۲ آیه ۱۲۳ سوره توبه

^۳ آیه ۱۲۳ توبه/المیزان/ج ۹/ص ۶۰۲

گذاشته می شود که حاکم خود را بی نیاز از امر به معروف به وسیله دیگران بدانند و بدین روی به مالک توصیه می کند: «و مگو که امارت یافته ام. پس فرمان می دهم و از من اطاعت می کنند. که این کار مایه سیاهی دل و تباهی دین و نزدیک شدن زوال نعمت ها است.»^۱

افراد انسانی در جامعه به سان سرنشینان یک کشتی، دارای سرنوشت یکسانی هستند و مسافران کشتی صرف نظر از مقرراتی که توسط مؤسسه کشتی رانی یا ناخدا به آنها ابلاغ می شود، به طور طبیعی حق دارند و موظفند از اموری که ممکن است آنها را در کام دریا جای دهد شدیداً جلوگیری به عمل آورند و در جهت حفظ کشتی و مسافران از خطرات کوشش نمایند.^۲

دیگر از وظایف مردم در قبال حاکم و حکومت، نصیحت است. نصیحت ائمه مسلمین تعبیری نام آشنا در فرهنگ سیاسی اسلام است که ریشه در روایات و کلام رسول گرامی اسلام دارد. نصیحت، برخلاف شهرتی که در فرهنگ عمومی ما دارد، به معنای پند و اندرز نیست بلکه به معنای «خیرخواهی خالصانه» و «مصلحت اندیشی صادقانه و واقع بینانه» نسبت به دیگران است.^۳

امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجمهای دیگر، باشدت کم سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه‌زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است، که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد.^۴

برای آن که شریران حاکم نشوند، امر به معروف و نهی از منکر باید به عنوان مهم ترین ابزار نظارتی به کار گرفته شود. هر مسلمانی مکلف است که امر به معروف و نهی از منکر کند و امر و نهی او منحصر و محدود به افراد

^۱ نهج البلاغه، نامه ۵۳، خطبه ۲۱۶، ترجمه شهیدی، ص ۳۲۸

^۲ رازی ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۹۷۴

^۳ مفردات راغب، ص ۵۱۵ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۶۱۵

^۴ الکافی، کلینی ج ۵ ص ۵۶؛ تهذیب الأحکام، شیخ طوسی ج ۶ ص ۱۷۶؛ مشکاة الأنوار، علی بن حسن طبرسی ص ۵۰؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۹۷ ص ۹۳؛

خاصی نیست، بلکه همه سطوح جامعه و حتی حاکمان را دربرمی گیرد. مسئله امر به معروف حاکمان در سنت دینی ما غالباً تحت عنوان «نصیحت ائمه مسلمین» آمده است و نویسندگان درباره اهمیت، شیوه و آداب آن بحث ها کرده اند.^۱ نظارت حاکمیت بردونوع است؛ نظارت بیرونی و درونی، در نظارت بیرونی راه کارهای را حاکمیت برای کنترل جامعه در نظر میگیرد و نهاد هایی را برای انجام این امر تأسیس می کند مانند پلیس و نهاد اطلاعاتی خودش را وظیفه دار این امر می کنند. اما در گذشته تا به امروز این تجربه نشان داده است که این نوع نظارت به تنهایی نتوانسته است که کنترل و نظارت مؤثری را که موجب صلاح و رستگاری است به نحو احسن تأمین نماید. اصلاح درونی؛ در اصلاح درونی که بیشتر به اصلاح نفس یا همان جهاداکبر که به اصلاح درونی انسان توجه دارد. در این روش نقایصی که در نظارت نوع اول مشاهده می گردد در این نوع نظارت مرتفع می گردد. «نظارت های بیرونی به دو سبب آسیب پذیر اند یکی آنکه امکان هم دستی میان نظارت کننده و نظارت شونده وجود دارد... درگر آن که نظارت شونده در اثر مهارت و تجربه چه بسا بتواند پاره ای از عمل کرد های خود را از دید مقام ناظر پنهان دارد... در این صورت این نظارت شونده گان اند که نظارت کننده گان را فریب می دهند این واقعیت نشان می دهد تا انسان از درون تربیت نشود و خود بنای مهار خویش را نداشته باشد مهار از بیرون به ویژه برای صاحبان قدرت و ثروت و شهرت از امکانات و توان بالایی برخوردارند - با موفقیت کامل رو به رو نخواهد گردید.»^۲ دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می کند، یک "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می کند. چه کسی می تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان بااخلاص می تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض می کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.^۳

^۱ نصیحت ائمه مسلمین» نوشته محمد سروش محلاتی، مجله حکومت اسلامی، شماره اول، پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۳۵-۱۸۹.

^۲ جوان آراسته، حسین؛ حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، قم دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲.

^۳ امام خامنه‌ای- بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا- امر به معروف و نهی از منکر- ۲۲/۰۴/۱۳۷۱.

۷-۲ ضمانت اجرای احکام و دستورات الهی

امیرالمومنین علیه السلام آمد و مکرر در مکرر و در جاهای مختلف این اعلام را به مردم ابلاغ کرد. نوشته اند آنقدر مکرر می گفت که صدای علی علیه السلام گرفته بود، از بس که در مواقع مختلف، هر جا اجتماعی بود این آیات را می خواند و ابلاغ می کرد تا یک نفر هم باقی نماند که بعد بگوید به من ابلاغ نشد. وقتی علی علیه السلام خسته میشد و صدایش میگرفت، صحابه ی دیگر پیغمبر می آمدند و از او نیابت می کردند و همان آیات را ابلاغ می نمودند.^۱

نتیجه گیری:

امربه معروف و نهی از منکر از اهداف فرستادگان الهی و قیام و راه بزرگان دین می باشد زیرا رسیدن به یک جامعه اسلامی و متعالی جز با تهذیب نفس و تحصیل معنویات ممکن نیست. باید شناختن و شناساندن احکام و مؤلفه های فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، به نحو مطلوب و با برنامه ریزی دقیق صورت بگیرد و متصدیان و ترویج کنندگان آن، نیز عامل باشند در این صورت تاثیر بیشتری را مشاهده خواهند کرد. زنان و مردان باید با هدف اصلاح فساد در جامعه تمام توان خود را به کار گیرند و برای رضای خدا در جهت اصلاح و رشد معنوی اجتماع تلاش کنند زیرا مومنان اولیای یکدیگرند و نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند. همچنین مخاطبان و فراگیران این فرهنگ زمینه ی لازم اعم از آمادگی ذهنی و موقعیت را دارا باشند که با تجربه قبلی وارد بُعد یادگیری شوند. برای اجرای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، تبلیغات مناسب اجرایی شود و در تبلیغ عنصر زمان و مکان در نظر گرفته شود تا نتایج مطلوب حاصل شود. در امر تبلیغات، نباید برای عوامل تبلیغاتی از لحاظ اقتصادی مشکل حادی وجود داشته باشد تا به نحو عالی به هدف نهایی دست بیابند. برای جلوگیری از به انحراف کشیده شدن مولفه ی امر به معروف در جامعه باید حواسمان به دشمنان و تبلیغات شوم آنها باشد تا از انحراف در مسیر جلوگیری شود و این امر با آگاهی سازی مردم و خنثی کردن فتنه ها از طریق رسانه و تبلیغات ممکن می باشد؛ عوامل کنترل و نظارت باید دقیقاً بر اساس قانون، اجرایی شود تا تاثیر به سزای خودشان را برای حفظ مسیر داشته باشند. بطور کلی از مهمترین آثار امر به معروف و نهی از منکر در در شکوفایی اخلاقی جامعه میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

^۱ آشنایی با قرآن ص ۲۱۰

ارائه الگوی جامع مطاق با فرامین الهی - گسترش دین - امنیت اخلاقی جامعه - بقاء جامعه انسانی - حاکمیت الهی-انسانی -توسعه و تعالی جامعه - تضمین انسجام اجتماعی - تقویت و تعدیل مناسبات اجتماعی - ایجاد منزلت اجتماعی و الگو پذیری در جامعه دینی و قدرتمندی مومنان نام برد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم، سوره توبه، سوره حج، سوره بقره
- ۲- شهید مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، صدرا، جلد اول، ۱۳۸۹
- ۳- قمی، شیخ عباس، نفس المهموم، مکتب الحیدریه، قرن چهاردهم
- ۴- آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد هفتم و هشتم
- ۵- آیت الله طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد نهم
- ۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، جلد سوم
- ۷- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، ۱۴۰۴
- ۸- رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، جلد چهارم، ۱۳۷۶
- ۹- اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، نشر الکتاب، جلد دوم
- ۱۰- شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد پنجم
- ۱۱- طوسی، ابوجعفر محمد ابن حسن، تهذیب الاحکام، جلد ششم
- ۱۲- طبرسی، علی ابن حسن، مشکاه الانوار،
- ۱۳- مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، جلد نود و هفت
- ۱۴- محلاتی، محمد سروش، نصیحت ائمه مسلمین، مجله حکومت اسلامی شماره اول، ۱۳۷۵
- ۱۵- جوان آراسته، حسین، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، دفتر نشر معارف قم، ۱۳۸۴
- ۱۶- امام خامنه ای، سید علی، بیانات دیدار فرماندهان گردان های عاشورا امر به معروف و نهی از منکر، ۲۲/۰۴/۱۳۷۱
- ۱۷- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱
- ۱۸- الفیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافی
- ۱۹- شهید ثانی، شرح لمعه، شرح از محمد کلانتر، بیروت، انتشارات دارالعالم الاسلامی، ج ۲
- ۲۰- فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)

